

هفتاد و شوی در سیر و سلوک عارفان

به انضمام رباعیات عارفانه و عاشقانه

www.ketab.ir

مؤلف: مجید احسانی شیوان

سر شناسه	احسانی، مجید، ۱۳۲۵
عنوان و پدیدآور	هفتاد مثنوی در سیر و سلوک عارفان به انضمام رباعیات عارفانه و عاشقانه/ مؤلف مجید احسانی شیشوان.
مشخصات نشر	تبریز: اختر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۷۲ صفحه
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۸۶-۷۲۱-۴
وضعیت فهرست نویسی	قیفا
موضوع	شعر فارسی - قرن ۱۴
موضوع	Persian poetry - 20 th century
رده بندی کنگره	PIR ۸۳۳۴
رده بندی دیویی	۸۱۵/۶۲
شماره کتابخانه ملی	۸۶۵۶۲۸۵

www.ketab.ir



نشر اختر

هفتاد مثنوی در سیر و سلوک عارفان با انضمام رباعیات عارفانه و عاشقانه

مؤلف: مجید احسانی شیشوان

طراح جلد: مهندس رامین عباسی

ناشر: نشر اختر

چاپ اول ۱۴۰۰ • ۱۷۲ صفحه • قطع وزیری • ۲۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۸۶-۷۲۱-۴

تلفن توزیع و سفارش کتاب: ۰۹۱۴۷۴۰۸۲۱۲ - ۰۴۱۳۴۴۸۵۱۱۰

مرکز فروش: تبریز - اول خیابان طالقانی، نشر اختر

تلفن: ۳۵۵۵۳۹۳ - ۰۴۱

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

فهرست

پیش گفتار شاعر درباره کتاب پیش رو شامل مثنویات با عنوان در سیروسلوک عارفان و رباعیات با عنوان دلدادگان دوست.....	۱۳
مثنویات، در سیر و سلوک عارفان.....	۱۹
مثنوی شماره: ۱ در بیان اینکه اسم اعظم لفظ نیست بلکه تخلق و اتصاف به اسماء و صفات الهی است که انسان آن را در درون خود پیاده می کند تا به فضل و توفیق خدا، خود مظهري از آن اسم و صفات گردد.....	۲۱
مثنوی شماره: ۲ درباره اینکه آدمی، خود اسم اعظم و از اکبر آیات پروردگار متعال است.....	۲۳
مثنوی شماره: ۳ در بیان اینکه مرگ، پایان زندگی نیست بلکه آغازی از حیات تازه است و آن حیات تازه را دروازه است.....	۲۵
در بیان این که هیچ چیز از بین رفتنی نیست و همیشه در محضر پروردگار متعال حاضر هستند و حتی ذره ای هم از حریم قدرت پروردگار امکان فرار ندارد.....	۲۵
در بیان اینکه عدم ها مایه هستی هستند و تائیدی وجود نداشته باشد هستی وجود نخواهد داشت ضمناً مرگ جامی است در بزم وصال که ساقی آن پروردگار متعال است و واقعت مرگ رستن از زندان تن و پیوستن به معبود خویش است.....	۲۶
در بیان اینکه مرگ روز آرمیدن در پیش یار و روز گفتگوی حسیان با تقدیران در ملکوت اعلا و بالاخص مرگ دریدن اسرار نهان و دیدن رخسار حقایق و چیدن میوه های عمر است.....	۲۷
مثنوی شماره: ۴ در بیان اینکه بندگان خوب و محبوب خدا در داخل همین مردم در کوچه و بازار و خیابان ها پراکنده اند و به قولی در روزها چون ستارگان فانی و در شب ها مشغول نورافشانی اند و به علت اخلاص زیاد کسی از رموز کار آنان آگاه نیست. در زمین حذقی و خط خورده و در آسمان ها بلند آواز و مشهورند.....	۲۸
در بیان گفتگو و مناظره اهل نور و نار در عرصات محشر.....	۲۹
گفتگو و مناظره اهل نور و اهل نار در عرصات محشر.....	۳۰
مثنوی شماره: ۵ در بیان اینکه هیچ چیزی جامد و ساکن نیست و کل ذرات عالم هستی در جوش و خروش و تکاپو هستند و همگی بامر خدا سامع و بصیر و هوشمند و خیرند و اعمال انسان ها را ثبت و ضبط و تصویربرداری می کنند.....	۳۱
در بیان اینکه کل ذرات عالم تسبیح خوان ذات پاک پروردگار متعال هستند و چیزی که روح و جان نداشته و هوشمند نباشد چگونه تسبیح خوان خدا خواهد بود.....	۳۲
در بیان وجوب دوری از قیاس که موجب ضلالت است و بیرون آمدن از زندان حواس که دید و بصیرت انسان را وسعت می بخشد.....	۳۳

مثنوی شماره: ۶ در بیان اینکه عالمان و روحانیون محترم چشم و چراغ مکتند و هادیان امت و بانیان مکتب آزادی و بی‌نور وجودشان جامعه مریض و بیمار خواهد بود..... ۳۴

در بیان اینکه حُب دنیا و دلبستگی به زخاریف، و پست و مقام و منصب، و رفاه دنیوی، دوش‌شان علما برده و زهد آنان را به یغما می‌برد و چون کرمی ریشه تقوا را می‌خورد و نفس عالم را از اخلاق و حسنات غریبان می‌کند..... ۳۵

مثنوی شماره: ۷ داستانی از مرحوم پدرم در بیان وظیفه‌شناسی و این که گاو و خرن حامل بار که بار مردم را به دوش می‌کشند از مردمان خلق آزار که بار خود را به دوش دیگران می‌گذارند بهترند..... ۳۶

در بیان اینکه در هر پست و منصبی که هستی اگر حل مشکل نتوانی حداقل سدا راه مشو. اگر گریه نمی‌توانی گشود گریه دیگر می‌فزای و اگر درد را دوا نمی‌دانی ارباب رجوع را حرمان مکن و از راهنمایی دریغ منما..... ۳۷

مثنوی شماره: ۸ در بیان فرق عشق مجازی با عشق معنوی و حقیقی..... ۳۸

در بیان اینکه عشق بازی از هوس بازی جداست اولی از سوی رحمانست و دومی از سوی شیطان. و عاشق بایستی در انتخاب معشوق عاقل و هشیار و پخته باتجربیت باشد و گرنه خامی و ناپختگی در این مسیر موجب خسران و مایه حرمان خواهد بود..... ۳۹

در بیان اینکه زلیخا در قیاس از خود که نفس او ساز شهوت می‌نواخت جایگاه بلند یوسف را که در عشق مولا می‌گذاخت نشانخت و جهل او به شان و مقام معنوی یوسف وی را به خطا انداخت و گرنه در صورت علم به موقعیت ممتاز او، حرمتش را نگه می‌داشت و امروزه هم شایع و سهل بودن انجام این همه گناه و گمراهی اکثریت مردم، ناشی از جهل و کوتاهی علم آنان از رسالت بزرگ انبیا و اولیاست..... ۴۰

مثنوی شماره: ۹ در بیان سخن گفتن خدا با نبی اکرم (ص) با لحن و صوت حضرت علی (ع) در شب معراج آن حضرت در آسمان‌ها..... ۴۱

در بیان اینکه سیر و عروج در اوج آسمان‌ها خاص احمد است چون مقام و رتبه‌اش نزد خدا بیش از حد است و دیگران به علت ضعف حالشان پر و بال عروج در ملاء اعلا را ندارند حتی جبرئیل امین هم قدرت پرواز در آن مکان‌ها را ندارد..... ۴۱

مثنوی شماره: ۱۰ استاد را سیل برد..... ۴۲

در بیان اینکه تا آدمی به مشکلات و گرفتاری‌ها و سختی‌های روزگار دچار نشود شخصیت واقعی او مشخص نمی‌شود و این امتحان و آزمایش‌های الهی در متن زندگی است که اسرار درونی را بیرون می‌ریزد و حقیقت را از باطل جدا می‌کند..... ۴۳

مثنوی شماره: ۱۱ در بیان سکوت و نظر و کلام از امیر مؤمنان حضرت مولا علی علیه‌السلام..... ۴۴

الف: در بیان سکوت..... ۴۴

ب: در بیان کلام..... ۴۵

ج: در بیان نظر و نگاه..... ۴۵

مثنوی شماره: ۱۲ من کیستم؟ در بیان اینکه انسان از خود هیچ ندارد و هر چه دارد از خداست لذا منیت در شان انسان

- نیست و خودبینی و غرور کار شیطان است نه کار آدم خداشناس ۴۵
- مثنوی شماره: ۱۳ در بیان عاشق شدن فقیر بینوایی به دختر پادشاه و اینکه هر کاری با توکل به خدا و استمداد از او شدنی است و هر که خالقش را با ادب بخواند از فشار و تعب بیرون خواهد آمد و فرج و یسر برایش حاصل خواهد شد ۴۶
- در بیان عزم قاطع مادر به خواستگاری از دختر شاه برای فرزندش و رهایی او از این گرداب سخت با اعتماد و توکل کامل بر خدای یکتا که تدبیر تمام امور به دست اوست و لا غیر و گرفتن جواب مساعد از وزیر دربار با شرایط ویژه ۴۸
- در بیان اراده راه کار توسط وزیر دربار به مادر خواستگار و اجرای دقیق آن توسط فرزندش که موجب بیداری عاشق بینوا از خواب غفلت و پیدا کردن معشوق حقیقی خود گردید ۴۹
- در بیان اینکه: توفیق خداوند یکتا دست عاشق بینوا را گرفت و او را به سوی خود کشید و لذت و حلاوت عبادت را باو چشاند و در سایه زهد و ریاضت و عبادت و تهذیب نفس بمقامی رسید که در زمان خود نادر دوران گردید و آوازه او آفاق را فرا گرفت و در اقصا نقاط جهان معروف و مشهور گردید ۵۰
- در بیان گذر پادشاه از کنار معبد عاشق بینوا و پیشنهاد دادن دخترش باو بخاطر تقرب وی در درگاه ایزد منان ۵۱
- در بیان رفتن مادر به نزد فرزندش و ابلاغ وصیت شاه به دادن دخترش به او و جواب رد فرزندش باین موضوع، و بیان اینکه او معشوق حقیقی خود را پیدا کرده و فقط یک دل دارد و آن هم از بهر اوست و دل به چندین یار دادن کافری است و دلبر او بهتر از هر دلبری است ۵۲
- در بیان نتیجه داستان و این که گوهر ذات آدمی بسیار اعلاست و بر این ذات اعلا، ملایک سجده کرده و عرش و فلک خدمتش را بگزیده و جایگاه اصلی او فردوس برین است نه فرش زمین و او که صدرنشین ملاء اعلاست حیث است ارج و مقام و قدر خود را بشکند و تنها باین دنیای فانی و زودگذر قانع باشد و در فکر آخرت نباشد ۵۳
- مثنوی شماره: ۱۴ در بیان اخلاص در عمل و دوری از تظاهر و ریا ۵۴
- در شرح حال انسان‌های صالح و گمنامی که کارهای زیادی برای خدا کردند اما کسی ندانست و نفهمید و نگفت و اینچنین کاری ندارد عیب و افت ۵۴
- مثنوی شماره: ۱۵ دل عالمی هوس خریزه کرد و شرح اینکه اگر عالمان قدر و حرمت یافتند خویشتن را در ریاضت ساختند ۵۶
- در بیان اینکه نفس ازدهانی بس خطرناک و در کمین آدم پاک است اگر رهاسازی تو را به سوزاند و اگر نگهداری آدمی را به پیچاند و نفس اماره هرگز نمرده بلکه او به جبر و زور فرمان برده است ۵۷
- در بیان اینکه رشد و تعالی در مسیر عرفان پایانی ندارد و هرچه آدمی در این مسیر اوج گیرد باز اوج‌ها و قله‌های فتح نشده دیگری هست که باید به فتح آنها تلاش کرد ۵۸
- مثنوی شماره: ۱۶ در بیان اینکه: هرچه غم باشد نصیب آشناست ۵۹
- در بیان برآورده شدن حاجت یهود و محروم ماندن مرد عارف ۶۰

- در بیان گلایه مرد عارف از اباعبدالله و پاسخ وی توسط سیدی در خواب که حاجت او روا شده است..... ۶۱
- در بیان این که دنیای به این بزرگی، با همه زیبایی هایش برای عارفان، قابل نیست و عید و سور آنها در آخرت می باشد..... ۶۲
- مثنوی شماره: ۱۷ ایمان آوردن یک بت پرست..... ۶۲
- در بیان معرفی خدای یگانه به شخص بت پرست توسط ادیب باهنر..... ۶۳
- در بیان راز و نیاز شبانه مرد بت پرست بعد از ایمان آوردن و سرزنش اهل کشتی که رسم شیدائی و عاشقی را ترک کرده و در خواب غفلت فرو رفته بودند و راحتی و تن پروری را به ریاضت و شب زنده داری ترجیح داده و چنین فرصت عالی را از دست داده بودند..... ۶۴
- در بیان اینکه بدن جسم است و قالب و عشق روح است و جالب، و اگر عشق نباشد آن قالب تهی است هر چند که سرو سُهی است. و آنچه زبان می گوید لُلق است و اگر به دل تائید گردد برحق، و اگر زبان را با دل همراه کنی مسیر راه را به یار کوتاه کنی..... ۶۵
- مثنوی شماره: ۱۸ صفا و صمیمیت و ترحم بندگان نسبت به یکدیگر موجب دفع بلا و ریزش باران رحمت و نعمات بی شمار خداوندی است..... ۶۷
- سئوال قوم از حضرت موسی در مورد علت عدم نزول بلا و فراوانی نعمت ها..... ۶۸
- در بیان احتکار کالاهای ضروری و مورد نیاز مردم توسط سرمایه داران به امید گران شدن آن در بازار و گلوگیر شدن این سرمایه حرام در خلق آنان..... ۶۹
- مثنوی شماره: ۱۹ داستان حضرت یوسف و زلیخا و اینکه در یک دل در محبت جانمی گیرد..... ۷۰
- در بیان اینکه: زلیخا در زمانی دلباخته یوسف بود که خدای خود را شناخته بود و پس از شناخت او فهمید که خدا زیباتر و دوست داشتنی تر از همه زیبایی هاست..... ۷۱
- اعتراف زلیخا به اشتباه و گناه خود و اقرار و شهادت وی بر پاکی و صداقت حضرت یوسف و تیرنه او از هرگونه خطا و اشتباه و حاضر و ناظر دیدن الله در تمام کارها..... ۷۲
- مثنوی شماره: ۲۰ در بیان مضرات لقمه مشکوک..... ۷۲
- در بیان مضرات لقمه مشکوک..... ۷۳
- با یک ذره لقمه مشکوک و حرام هیچ یک از اعمال عبادی انسان مثل نماز و روزه و حج و زکوة و احسان و غیره مورد قبول در گاه حضرت احدیث نخواهد بود و این کار منوط به رد و اعاده حقوق مردم و گرفتن حلالیت از آنان می باشد..... ۷۴
- مثنوی شماره: ۲۱ در بیان امانت داری و احساس مسئولیت مسئولین کشور در پست های حساس..... ۷۵
- مثنوی شماره: ۲۲ در بیان دوستی حضرت ابراهیم با خداوند متعال..... ۷۷
- مثنوی شماره: ۲۳ در سعی و طاعت عارفان که نه برای بهشت است و نه از ترس دوزخ بلکه خالق خود را شایسته عبادت و بندگی می دانند و سعی شان فقط برای اوست..... ۷۸

- ۸۰ مثنوی شماره: ۲۴ در بیان حج واقعی و طواف کعبه دل.....
- ۸۱ در بیان حج واقعی و طواف کعبه دل.....
- ۸۲ مثنوی شماره: ۲۵ در بیان تعمیر و ساخت بیت خدا توسط حضرت ابراهیم.....
- ۸۲ مثنوی شماره: ۲۶ در بیان سوال حضرت موسی از خداوند متعال در مورد فرصت دادن به فرعون.....
- ۸۳ مثنوی شماره: ۲۷ در بیان تواضع و شکسته نفسی حضرت موسی.....
- ۸۴ مثنوی شماره: ۲۸ ارزش اعمال در کیفیت و معرفت آن است نه در کمیت و کثرت آن.....
- ۸۵ مثنوی شماره: ۲۹ در بیان این که عمل فقط از انسان‌های متقی قبول است و لاغیر.....
- ۸۶ قدر کس در کثرت و ظاهر اعمال نیست، بلکه باید دید شرح حال چیست.....
- ۸۷ مثنوی شماره: ۳۰ در بیان شب‌زنده‌داری و دوستان واقعی خدا.....
- ۸۸ مثنوی شماره: ۳۱ در بیان حضور قلب در نماز.....
- ۸۹ مثنوی شماره: ۳۲ شکر و شادی فقرا از بذل و احسان اغنیاء بهتر است.....
- ۹۰ مثنوی شماره: ۳۳ محاسبه نفس.....
- ۹۱ مثنوی شماره: ۳۴ در بیان شکر واقعی نعمت‌های خداوند متعال.....
- ۹۲ مثنوی شماره: ۳۵ سه نشان از نشانه‌های دوستی خداوند متعال با بندگانش.....
- ۹۴ مثنوی شماره: ۳۶ حفظ زبان از گفتارهای بیهوده.....
- مثنوی شماره: ۳۷ در بیان این که بنده تمام حاجت‌های خود را چه دنیوی باشد و چه اخروی، باید از خدا بخواهد و نه از غیر خدا.....
- ۹۵ مثنوی شماره: ۳۸ دعا و طلب عفو و مغفرت از درگاه پروردگار متعال.....
- ۹۶ مثنوی شماره: ۳۹ در بیان حُب وطن.....
- ۹۹ مثنوی شماره: ۴۰ غرور و غیر ایرانی در دفاع جانانه از ایران عزیز موقع تجاوز بیگانگان.....
- ۱۰۰ مثنوی شماره: ۴۱ لزوم تشکیل ارتش و سپاهی منظم و قوی برای دفاع از ایران اسلامی.....
- ۱۰۱ مثنوی شماره: ۴۲ از پسر بر پدری که در راه دفاع از وطن، مردانه جان باخته است.....
- ۱۰۲ مثنوی شماره: ۴۳ حدیث ۷۰ از احادیث قدسی داستان زنی فاحشه با عابد تارک دنیا.....
- ۱۰۴ مثنوی شماره: ۴۴ درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر.....
- مثنوی شماره: ۴۵ آیات شریفه ۴۸ و ۱۱۶ سوره مبارکه نساء: هر گناهی به غیر از شرک، در صورت توبه و جبران گذشته‌ها در درگاه حضرت احدیت قابل بخشش و گذشت است.....
- ۱۰۵ مثنوی شماره: ۴۶ حدیث ۳۸ از احادیث قدسی: ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر موجب نزول بلاى الهی و گرفتار شدن نیک و بد جامعه از خشک و تر به عذاب سخت پروردگار متعال خواهد بود.....
- ۱۰۶ مثنوی شماره: ۴۷ نفوذ شیاطین در دل‌های مردم به دنبال کجی و کژی و سوء نیت خود دل‌ها صورت می‌گیرد ... ۱۰۷
- مثنوی شماره: ۴۸ حدیث ۱۸۸ از احادیث قدسی، درباره ارتزاق حضرت داود از بیت المال و توصیه خداوند متعال به

تأمین هزینه معاش از دسترنج خود.....	۱۰۹
مثنوی شماره: ۴۹ تفسیر آیات ۱۰ و ۱۱ سوره سبا، درباره سفارش پروردگار متعال به حضرت داوود درباره ساختن	
زره های محکم و کامل و بی عیب و پیام این سفارش به سایر مردم.....	۱۰۹
مثنوی شماره: ۵۰ سفارش پروردگار متعال به حضرت داود در مورد سایر صنوف نیز قابل تعمیم بوده و در هر شغلی	
صدق می کند.....	۱۱۱
مثنوی شماره: ۵۱ قلب مومن، عرش الرحمان و قلب کافر، لانه شیطان است.....	۱۱۲
مثنوی شماره: ۵۲ احادیث ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۳۰۳ از کتاب احادیث قدسی، درباره رفع گرفتاری از بندگان مومن	
خدا و این که محبوبترین عملها در نزد پروردگار یکتا آن است که حزنی را از بنده مومن و متقی، برطرف کنی	
.....	۱۱۳
مثنوی شماره: ۵۳ حدیث ۲۰۸ از احادیث قدسی، درباره خیرات و برکات اولاد صالح.....	۱۱۴
مثنوی شماره: ۵۴ از حدیث ۳۵۹ از احادیث قدسی، داستان بیماری پادشاه مومن و پادشاه کافر و شفای سلطان کافر	
و جلوگیری از درمان پادشاه مومن توسط پروردگار متعال و بیان حکمت این کار خداوند یکتا.....	۱۱۵
مثنوی شماره: ۵۵ احادیث ۲۱۹ و ۲۲۵ و ۲۴۸ و ۳۰۱ و ۳۲۱ و ۳۲۷ از احادیث قدسی درباره اهمیت تسلیم و رضا به قضا و	
قدر الهی و حسن اعتماد به پروردگار متعال در واگذاری امور به او.....	۱۱۷
مثنوی شماره: ۵۶ حدیث ۲۰۵ از احادیث قدسی برای خلاص شدن از دری وارد شد که خود دستور داده یعنی از در	
انبیاء و اوصیای آنان که آنان باب الله هستند و لا غیر.....	۱۱۸
مثنوی شماره: ۵۷ فرازهایی از حدیث ۳۶۳ از احادیث قدسی در مورد بهترین عملها در نزد پروردگار متعال.....	۱۲۰
مثنوی شماره: ۵۸ درباره مقام منبع شهدا در نزد پروردگار یکتا.....	۱۲۱
مثنوی شماره: ۵۹ حدیث ۳۲۵ از احادیث قدسی در باره این که پایان شب و نزدیک طلوع صبح صادق، بهترین موقع	
راز و نیاز با پروردگار یکتا و استجاب دعاهاست.....	۱۲۳
مثنوی شماره: ۶۰ احادیث ۲۳۷ و ۲۴۲ و ۵۶۲ از احادیث قدسی درباره این که زیارت برادر مؤمن، زیارت	
پروردگار متعال است و اهانت به او، اهانت به کردگار کریم است و ورود به خانه وی، برای عرض سلام و	
احوالپرسی، ورود به خانه خدا بوده و وارد شونده، مهمان خدا می باشد.....	۱۲۴
مثنوی شماره: ۶۱ داستان زن و شوهر تنگدست و فقیری که برای نجات از آن به پیامبر زمان خود، حضرت موسی	
(علیه السلام) متوسل شدند و از او خواستند که از خدا بخواهد که آنها را از این عُسر و حُرَج رهایی بخشد و حضرت	
موسی پیام آنان را به عرض خدا رسانید و خدا بمدت یکسال آنان را از آن فقر و تنگدستی نجات داد و درهای کرم	
و رحمت خود را بر آنان گشود.....	۱۲۶
مثنوی شماره: ۶۲ استفاده بهینه مرد و زن از ثروت و نعمت هائی که بمدت یکسال در اختیار آنان گذاشته شده بود	
موجب تداوم و ثبات و پایداری آن نعمت ها تا پایان عمر آنان گردید.....	۱۲۷
مثنوی شماره: ۶۳ حدیث ۵۸۲ و ۵۸۳ از احادیث قدسی چه چیزی سزاوار غبطه خوردن است آیا مال و ثروت و مقام	

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش گفتار شاعر درباره کتاب پیش رو شامل مثنویات با عنوان در سیر و سلوک عارفان و رباعیات با عنوان دلدادگان دوست

• رشد و تعالی در مسیر عرفان انتها و پایانی ندارد و هر چه آدمی در این سیر و سلوک پیش تاز بوده و اوج گیرد باز هم اوج ها و قله های فتح نشده دیگری موجود است که باید به فتح آنها تلاش کرد

• گوهر ذات آدمی بسیار اعلاست و خداوند متعال از روح خود در او دمیده و صورتش را بس زیبا آفریده است و بر این ذات اعلا ملائک سجده کرده و عرش و فلک خدمتش را بگزیده و جایگاه اصلی او بهشت برین است نه فرش زمین و آدمی که صدر نشین ملاء اعلاست حیف است که ارج و مقام خود را نشناسد و همدرد او آفرینش خود را نداند و تنها به امورات دنیای فانی و زود گذر مشغول بوده و در فکر آخرت و عالم غیب نباشد

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِمَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾

أُولَئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾ (سوره یونس) آنهاييکه به لقاء ما دل نبسته و امیدوار نیستند و فقط به زندگی حیوانی و پست دنیا راضی و خشنود هستند و از آیات و نشانه های ما غافلند. همانها هستند که به علت کردار زشتشان جایگاهشان آتش دوزخ خواهد بود

• مرگ پایان زندگی نیست بلکه دروازه حیات ابدی و آخرت است که انسان برای آن آفریده شده و عدم ها مایه هستی هستند و تانیستی وجود نداشته باشد هستی وجود نخواهد داشت ضمناً مرگ جامیست در بزم وصال که ساقی آن پروردگار متعال است و واقعیت مرگ رستن از زندان تن و پیوستن به معبود خویش وزادنی تازه و آغاز حیات نو و روز باقی گشتن فانیان است و به عبارت دیگر مرگ روز گفتگوی حسیان با قدسیان در ملکوت اعلا و بالاخص دریدن اسرار نهان و دیدن رخسار حقایق و چیدن میوه های عمر است

بس عدم ها مایه هستی بود بس بلندیا که در پستی بود
تا نگردد دانه فانی در زمین می نروید بوته ای از او یقین